

باسمه تعالی

- ۱..... وجوه تقدیم استصحاب بر قرعه
- ۱..... بیان مرحوم اصفهانی در نسبت قرعه و استصحاب
- ۲..... مناقشه استاد در بیان محقق اصفهانی
- ۳..... نتیجه بحث از موارد اجرای قرعه

موضوع: تعارض استصحاب و قرعه / تعارض استصحاب / تعادل و ترجیح

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در تعارض استصحاب و قرعه بود که کلام مرحوم امام در حکومت استصحاب بر قرعه مطرح شد و بیان شد که این بیان تمام نیست و حکومت اختصاصی به استصحاب ندارد و از دو طرف است. مرحوم اصفهانی نیز در رد حکومت استصحاب بر قرعه همین نکته را مطرح فرموده اند.

وجوه تقدیم استصحاب بر قرعه

بیان مرحوم اصفهانی در نسبت قرعه و استصحاب^۱

ایشان ابتداء کلام مرحوم آخوند را در ورود استصحاب بر قرعه نقل می کنند و می فرمایند: ورود در صورتی محقق می شود که حکومتی در دلیل استصحاب بر قرعه وجود نداشته باشد.^۲

حکومت ادله بر یکدیگر به دو صورت بوده و در هر دو قسم حکومت محقق می شود

۱- حکومت به لحاظ مفاد ادله: در این قسم از حکومت مفاد و لسان دو دلیل بر یکدیگر حکومت دارند؛ مانند اینکه

دلیل «لا شک لکثیرالشک» با قطع نظر از دلیل حجیت خبر، حکومت بر ادله احکام شک مانند «من شک فعليه

الاعاده» و... دارد؛ زیرا لسان مفاد دلیل اول، نظارت بر مفاد دلیل دوم دارد.

^۱ نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج ۳، ص ۳۰۸.

^۲ مقرر: مرحوم اصفهانی پس از نقل تخصیص قرعه به سبب استصحاب از مرحوم آخوند، می فرمایند: تخصیص پس از حکومت مطرح است

۲- حکومت به لحاظ دلیل دال بر حجیت: در این قسم حکومت در لسان دو دلیل وجود ندارد و حکومت به لحاظ ادله حجیت آن محقق می شود؛ مانند حکومت امارات بر اصول که هرچند اماره بر حرمت خمر، نظارت و حکومتی بر دلیل حلیت مشکوک ندارد؛ ولی دلیل حجیت خبر دال بر حرمت خمر مانند صدق العادل و...، حکومت به دلیل حلیت مشکوک دارد.

در قرعه و استصحاب به لحاظ ادله حجیت آن، حکومتی وجود ندارد؛ زیرا موضوع حجیت قرعه، مجهول و مشکل و موضوع حجیت استصحاب، مشکوک است، لکن نسبت به مفاد دلیل قرعه و دلیل استصحاب، حکومت از دو طرف فرض می شود و همانطور که لسان استصحاب، رفع جهل است، لسان ادله قرعه به حسب عباراتی همچون «القرعه لا تخطئ» و ... نیز نظارت بر ادله استصحاب دارند و رافع شک می باشند، پس حکومت در دو طرف فرض می شود و هیچکدام بر دیگری مقدم نمی شود.

اگر اشکال شود که: مفاد دلیل قرعه، حکومت تکوینی است و واقع به سبب حجیت قرعه، روشن و معلوم می شود؛ زیرا در ادله قرعه، به اصابه قرعه به واقع، تصریح شده است؛ در حالیکه استصحاب حکومت تشریعی بر قرعه دارد و واقع را روشن نمی کند. پس قرعه بر استصحاب مقدم (وارد) است؛ زیرا با وجود قرعه، شک نسبت به واقع، حقیقتاً رفع می شود و نوبت به استصحاب نمی رسد.

پاسخ می دهیم هر چند ظاهر اخبار قرعه این است که قرعه حکومت تکوینی دارد و واقع را مشخص می کند؛ ولی تعیین واقع به سبب قرعه در موارد حجیت آن است و از آنجا که در موارد جریان استصحاب و دیگر حجج، به جهت معارضه قرعه و دیگر حجج، حجیت قرعه مسلم نیست، پس تعیین واقع به سبب قرعه نیز در آن موارد معلوم نیست. بله اگر قرعه در موردی حجت باشد، واقع به سبب آن روشن می شود.

مناقشه استاد در بیان محقق اصفهانی

اولاً: مرحوم آخوند ورود را طرفینی می دانند و ورود استصحاب بر قرعه را نمی پذیرند علاوه بر اینکه در صورت تحقق ورود، نوبت به حکومت نمی رسد ولذا اینکه مرحوم اصفهانی، ورود را در صورت عدم تحقق حکومت جاری می داند صحیح نیست.

ثانیا: جریان قرعه، موجب تعیین واقع و علم به آن نمی شود و ادله ای که ظهور در خطا نداشتن قرعه دارد، به معنای حجیت قطعی قرعه به جهت حکم شارع به آن است و ما قائلیم ادله حجیت قرعه امضای بنای عقلاست-مانند مرحوم امام- و بناء عقلاء نیز در قرعه کاشفیت واقعی آن نیست.

نتیجه بحث از موارد اجرای قرعه

برخی از نصوص قرعه در موردی است که علم اجمالی در آن وجود ندارد و قرعه برای تعیین واقع از میان اطراف، نیست بلکه برای تعیین احتمال صحیح بین احتمالات است، مانند نصوصی که در مبحث میراث خنثی، برای تعیین جنسیت خنثی مشکله، حکم به قرعه شده است^۱ که در این مورد، در صورت نبود قرعه، استصحاب محکم است.

استصحاب در این مساله به دو صورت متصور است:

۱- جریان استصحاب موضوعی به این نحو که مذکر بودن را با اصل عدم ازلی نفی می کنیم و معارضه با استصحاب

عدم انوثت ندارد زیرا ملکیت زائده اثر ذکوریت است و استصحاب عدم انوثت برای نفی ذکوریت مثبت است.

۲- جریان استصحاب حکمی و نفی ملکیت زائد با استصحاب عدم تملک زائد به نسبت خنثی.

البته استصحاب عدم تملک زائد در حق خنثی، در برخی از موارد نمی تواند ملکیت دیگر ورثه را نسبت به مقدار زائد ثابت کند و نوبت به قاعده عدل و انصاف می رسد.

بنابر این قرعه در این نصوص، در غیر از فرض علم اجمالی جاری شده است و اختصاص آن به موارد علم اجمالی صحیح نیست و لذا دلیل قرعه نسبت به تمامی موارد جهل و شبهه، عمومیت دارد و کلام محقق نائینی در اختصاص قرعه به موارد علم اجمالی صحیح نیست.

بنابر این در نسبت بین قرعه و حجج دیگر همانند استصحاب و امارات و... غیر از احتیاط، همگی بر قرعه به جهت اخصیت مورد مقدم می باشند.

در اصل احتیاط نیز در رابطه با احتیاط عقلی که مستفاد از ادله احکام اولیه است، قرعه به جهت لسان ادله اعتبارش مانند «الا خرج سهم المحق» و... بر آن حاکم است.

^۱ وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۲۶، ص ۲۹۲، أبواب میراث الخنثی، باب ۴، ح ۲، ط آل البیت.

در مورد احتیاط شرعی، دلیل بر آن، دو روایت است که یکی در مورد دو آب که مشتبّه به نجاست شده^۱ و دیگری در مورد دو گوشت که مشتبّه به میته شده است^۲، می باشد.

از این دو روایت، با الغاء خصوصیت، به تمامی تکالیف معلوم بالاجمال تعدی می شود؛ ولی تنها در شبهات موضوعیه و در مواردی که اطراف علم اجمالی کم باشد تعدی می شود و اگر اطراف علم اجمالی محصوره زیاد باشد، دلیلی بر احتیاط شرعی وجود ندارد.

با توجه به این مطلب، به عموم قرعه در تمام موارد علم اجمالی در شبهات موضوعیه، تمسک می شود؛ مگر موردی که به جهت نص بر احتیاط از عموم قرعه خارج شده باشد و از آنجا که نص بر احتیاط با ملاحظه الغاء خصوصیت مورد، فقط در علم اجمالی با اطراف قلیل وجود دارد، در غیر آن، از موارد علم اجمالی محصوره، به عموم قرعه تمسک می شود. در این بیان هر چند قرعه تخصیص زیادی می خورد، ولی همانطور که از محقق اصفهانی و محقق داماد نیز بیان شده بود، تخصیص اکثر تا حدی که موجب استهجان دلیل نشود، مانعی ندارد و در مورد قرعه، مقدار تخصیصات در حد استهجان نیست. البته همانطور که گذشت، تمسک به قرعه در موارد علم اجمالی محصوره در اطراف زیاد نیز، هر چند از جهت صناعی صحیح است؛ ولی به جهت مخالفت با فتوای فقهاء، مشکل است.

۱ تفسیر التبیان، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۹۹.

۲ جعفریات اشعثیات ص ۲۷